

تعامل آمریکا با طالبان در طول یک سال گذشته

یافت و با تصرف سریع کابل توسط طالبان قطع شد. از آن سال تاکنون، سیاست ایالات متحده در قبال افغانستان، متمرکز بر خارج کردن شهروندان و پدر و مادرهای باقیمانده آمریکایی در افغانستان و پرداختن به بحران‌های رو به تشدید انسانی و اقتصادی کشور بوده است. همکاری آمریکا با طالبان، محدود بوده و واشنگتن، عادی‌سازی روابط را به پایبندی طالبان به مقابله با تروریسم، احترام به حقوق بشر و ایجاد یک نظام سیاسی فراگیر، مشروط کرده است. نشانه‌های معدودی از تمایل و علاقه طالبان برای اجابت این درخواست‌ها نسبت به دو مسئله آخر، وجود دارد و اخیراً گذشته شدن رهبر القاعده، ایمن الظواهری در کابل، نشان می‌دهد که این رژیم، هنوز به تعهد خود برای قطع روابط با گروه‌های تروریستی فراملی، عمل نکرده است.

کیت باتمن،^۱ پژوهشگر مؤسسه صلح ایالات متحده،^۲ یازدهم آگوست ۲۰۲۲ سرمقاله با تیتیر «یک سال پس از تصاحب قدرت توسط طالبان؛ مرحله بعدی برای آمریکا در افغانستان چیست؟»^۳ منتشر کرد. وی تلاش کرده درباره تحولات تعامل و رابطه آمریکا با طالبان در طول یک سال گذشته، تأثیر کشته شدن رهبر القاعده (ایمن الظواهری) در کابل، بر سیاست آمریکا در افغانستان و اینکه چگونه واشنگتن می‌تواند منافع خود در افغانستان را در طولانی مدت پیش ببرد، توضیحاتی ارائه کرده است.^۴

منافع ایالات متحده در افغانستان، همچنان به میزان زیادی مشابه گذشته باقی مانده، اما واشنگتن^۵ برای تحقق این اهداف، از اهرم فشار محدودی در مقابل طالبان برخوردار است. یک سال قبل در چنین ماهی، طولانی‌ترین جنگ آمریکا، پایان

1. Kate Bateman

2. USIP

3. A Year After the Taliban Takeover: What's Next for the U.S. in Afghanistan?

4. منبع: <https://www.usip.org/publications/2022/08/year-after-taliban-takeover-whats-next-us-afghanistan>

5. Washington

کیت باتمن^۱، پژوهشگر مؤسسه صلح ایالات متحده،^۲ درباره تحولات تعامل و رابطه آمریکا با طالبان در طول سال گذشته، تأثیر کشته شدن رهبر القاعده (ایمن الظواهری) در کابل، بر سیاست آمریکا در افغانستان و اینکه چگونه واشنگتن، می‌تواند منافع خود در افغانستان را در طولانی مدت پیش ببرد، توضیحاتی ارائه می‌کند.

ایالات متحده، چه منافع هنوز در افغانستان داشته است و چه ابزاری برای پیگیری آن‌ها در اختیار دارد؟

منافع آمریکا در افغانستان، همچنان به میزان زیادی مانند قبل از زمان به قدرت رسیدن طالبان در ۱۵ اگوست ۲۰۲۱، باقی مانده است؛ جلوگیری از گروه‌های تروریستی در افغانستان برای تهدید ایالات متحده یا متحدانش، حفظ ثبات منطقه‌ای، تشویق برای تشکیل دولت فراگیر و حفاظت از حقوق بشر، به ویژه حقوق زنان، دختران و اقلیت‌ها و رفع بحران انسانی - که بعد از طالبان، به دلیل قطع کمک‌های

خارجی، تشدید شده است - و همچنین، روند احیای اقتصاد. کنترل طالبان بر افغانستان، باعث می‌شود که تضمین منافع ایالات متحده در این کشور، حتی دشوارتر از گذشته باشد، زیرا ایدئولوژی و بسیاری از سیاست‌های طالبان، با اهداف آمریکا مغایر هستند و ایالات متحده، نفوذ محدودی در مقابل این رژیم سرکوبگر دارد. البته این مخصصه، در یک فضای خلأگونه ایجاد نشده و آمریکا تا حدی مسئول شرایط کنونی است. در طول دو دهه، سیاست‌های این کشور، موجب ایجاد افغانستانی شده که به شکلی خارق‌العاده، متکی به کمک است. آمریکا، نتوانست مذاکرات صلح را به شکلی جدی و مؤثر پیش ببرد تا اینکه دیگر خیلی دیر شد، زمانی که طالبان، امتیاز میدان نبرد را داشت و متوجه تمایل آمریکا برای خارج ساختن نیروهایش شد، لذا انگیزه کمی برای مصالحه سیاسی داشت. امروزه، منشأ اصلی نفوذ و فشار آمریکا در قبال دولت طالبان، عبارت‌اند از: به رسمیت شناختن دیپلماتیک - که هیچ کشوری

تاکنون، چنین اقدامی صورت نداده است - و کسب یک کرسی در سازمان ملل، تعامل دوجانبه و چندجانبه دیپلماتیک، برداشتن تحریم‌ها، رفع مسدودی دارایی‌های بانک مرکزی افغانستان در نیویورک^۳، کمک‌های توسعه‌ای و اقدام نظامی (علیه خود طالبان یا تروریست‌هایی که داخل افغانستان هستند). استخدام تمامی این اهرم‌های نفوذ، از نظر سیاسی و لجستیکی دشوار است. قوی‌ترین اهرم فشار، به رسمیت شناختن دیپلماتیک است که و قدرت آن، حول محور جامعه جهانی می‌چرخد؛ به ویژه ایالات متحده، روسیه، چین، پاکستان و سایر همسایگان افغانستان که باید اجماع بر تکذیب یا اعطای رسمیت را حفظ کنند. البته این ابزار، انعطاف‌پذیر و یک‌بار مصرف بوده و به علاوه، بعید است که کمک‌ها به افغانستان، موجب تغییر در رفتار یا حکمرانی طالبان شود. با وجود این، کمک‌های توسعه‌ای، می‌تواند به احیای دوباره زندگی و معاش کمک کند و از فراهم شدن آموزش و امکانات بهداشتی و درمانی حمایت نماید. آمریکا مانند سایر کمک‌کنندگان، در تلاش است تا به گونه‌ای عمل کند که مطمئن

3. New York

1. Kate Bateman

2. USIP

شود، کمترین میزان ممکن از این کمک‌ها، به دست طالبان می‌رسد.

ارتباط ایالات متحده با رژیم طالبان، چگونه از زمان به قدرت رسیدن آن، دچار تحول شده است؟

توجه سیاست آمریکا بر افغانستان در طول سال گذشته، حول محور دو موضوع بوده است: خارج ساختن شهروندان آمریکایی و ساکنان دائمی قانونی که به ترک کشور تمایل دارند، در کنار تغییر مکان استقرار و زندگی ده‌ها هزار افغانستانی و شهروندان دو تابعیتی در ایالات متحده و بحران‌های اقتصادی و انسانی زیادی که نزدیک به ۲۰ میلیون افغانستانی را در خطر گرسنگی قرار داده است.

تلاش‌ها در هر دو این جبهه‌ها، مستلزم حدی از همکاری عملی با طالبان بوده است.

رویکرد ایالات متحده در قبال طالبان - که ویژگی آن گستردگی است - مشارکت محتاطانه در کنار امتناع از اعطای رسمیت، رفع مسدودی دارایی‌ها یا برداشتن تحریم‌ها بوده است. لازم به ذکر است که هیچ تحریم جدیدی

وضع نشده و هیچ حمله‌ای ضد طالبان، صورت نگرفته است. پیام آمریکا (به همراه سایر کشورهای غربی، همسایگان افغانستان و قدرت‌های منطقه‌ای) این بوده است که عادی‌سازی روابط، بستگی به پایبندی و عمل طالبان به تعهدات خود در قبال مقابله با تروریسم دارد. همچنین، احترام به حقوق بشر، به‌ویژه حقوق زنان و دختران و تشکیل یک نظام سیاسی فراگیر و مردمی. البته طالبان در تمامی این عرصه‌ها، در مقابل انتظارات بین‌المللی، مقاومت نشان داده و یک نسخه سرکوبگر و محدود از حکومت را دنبال می‌کنند. در اواخر ماه مارس، طالبان به تعهد خود برای بازگشایی مدارس راهنمایی دخترانه عمل نکرد؛ اقدامی که مانعی برای اراده آمریکا و سایر کشورها نسبت به فراهم ساختن کمک‌های دیگر شد. گزارشی که توسط سازمان ملل درباره ده ماهه اول حکومت طالبان منتشر شده، حاکی از کشتار مردم، بدون برگزاری دادگاه، بازداشت افراد بر اساس میل و خواست شخصی، شکنجه و سخت‌گیری

نسبت به آزادی بیان، اعتراض مسالمت‌آمیز و دسترسی زنان و دختران به آموزش، کار و فعالیت پویا است. ناکامی طالبان در برآورده ساختن انتظارات غرب نسبت به حکومت‌داری، خطر اینکه کمک‌های خارجی یک رژیم سرکوبگر و استبدادی را توانمند سازد، تشدید کرده است و به شدت، تلاش کمک‌کنندگان برای از بین بردن بحران‌های انسانی و اقتصادی را با چالش مواجه می‌کند.

کشتن ایمن الظواهری، چگونه موجب تغییر خط سیر سیاست آمریکا در قبال افغانستان، در ماه‌های پیش رو می‌شود؟ همواره تردیدی قابل توجه در درون محافل سیاست‌گذاری آمریکا، نسبت به میل و خواست طالبان برای پایبندی و عمل به تعهدات «توافق دوحه»^۱ سال ۲۰۲۰ با آمریکا در قبال مبارزه با تروریسم، وجود داشته است. البته افشای اینکه ایمن الظواهری (رهبر القاعده)، هنگام حمله پهپادی ۳۱ جولای آمریکا در خانه امنی در کابل، حضور داشته که مرتبط با وزیر داخلی طالبان بوده است،

1. Doha Agreement

دروغ طالبان برای پایبندی به مقابله با تروریسم را آشکار کرد. دولت ایالات متحده، حضور ایمن الظواهری در این خانه را نقض آشکار توافقی دوحه توصیف کرد. چند روز پیش از هدف قرار دادن الظواهری، مقامات ارشد آمریکا در یک کنفرانس بین‌المللی با موضوع افغانستان در تاشکند^۱ از پاکستان شرکت کردند، جایی که سرپرست وزارت امور خارجه طالبان، امیرخان متقی^۲ از سایر کشورها خواست تا دولتش را به رسمیت بشناسند. نماینده ویژه آمریکا برای افغانستان^۳، تام وست^۴، مجدداً نگرانی عمیق آمریکا از نقض حقوق بشروفقان یک فرآیند سیاسی فراگیر را بازگو کرد. با این وجود، غرب و مقامات ارشد وزارت خزانه‌داری^۵ نیز در همان هفته با نمایندگان طالبان، دیدار کردند تا درباره «تلاش‌های جاری برای فراهم ساختن زمینه استفاده از ۳/۵ میلیارد دلاری ذخایر دارای مجوز بانک مرکزی افغانستان برای مردم افغانستان»، بحث و تبادل نظر

کنند؛ نمونه‌ای از همکاری با رژیم که خطر مشروعیت بخشی بیشتر به آن را در ازای پیشبرد تلاش‌ها برای رفع بحران اقتصادی، به همراه دارد. حمله به الظواهری، اکنون مخصصه‌ای مشابه را در فضای مبارزه با تروریسم برجسته می‌کند؛ آیا ایالات متحده، علی‌رغم نقض فاحش وعده‌های مقابله با تروریسم توسط طالبان، همچنان باید به مشارکت عمل‌گرایانه با آن‌ها در مسائل بشردوستانه و اقتصادی ادامه بدهد؟ دیدارهای گاه‌وبیگاه آمریکا-طالبان در سال گذشته، حاکی از این است که پس از دوره‌ای از سردی و سکون، دولت آمریکا، احتمالاً گفتگوهای محتاطانه خود با طالبان را ادامه خواهد داد. با وجود این، حامیان حمله، آن را اثباتی برای مؤثر بودن یک راهبرد قریب‌الوقوع برای مقابله با تروریسم می‌دانند. هم‌زمان، حضور الظواهری در آن خانه، نشان می‌دهد که تهدید تروریستی - که از افغانستان تحت حاکمیت طالبان نشئت می‌گیرد - جدی‌تر از آن است که قبلاً تصور می‌شد. همچنین، هدف قرار دادن موفقیت‌آمیز او، اثباتی بر این امر نیست که حملات پهلپادی،

می‌توانند تهدید روبه گسترش در افغانستان را متوقف سازند. سیاست‌گذاران و تحلیل‌گران آمریکا، باید ارزیابی‌های خود از تهدید تروریستی در افغانستان را مورد بازنگری قرار دهند. راهبرد مؤثر آمریکا برای پیشبرد منافع خود در افغانستان، در طولانی‌مدت چگونه است؟ طبق گزارش اندیشکده رند^۶، دو منفعت اصلی باید سیاست آمریکا در قبال افغانستان را راهبری کند: (۱) امنیت مردم آمریکا (مقابله با تروریسم) و (۲) «منفعت اخلاقی و مرتبط با وجهه کشور»؛ یعنی رها نکردن افغانستانی‌هایی که به دلیل حمایتشان از تلاش‌های گذشته آمریکا، در خطر بوده و همچنین، افغانستانی‌هایی که از شرایطی نزدیک به قحطی رنج می‌برند. همان‌طور که سیاست‌گذاران آمریکا این منافع را پیگیری می‌کنند، باید کاملاً نسبت به واقعیات میدانی افغانستان و محدودیت‌های اهرم فشار آمریکا، هوشیار و آگاه باشند. طالبان، قدرت خود را تقویت و تثبیت کرده و بعید است که در کوتاه‌مدت یا آینده‌ای نزدیک،

1. Tashkent
 2. Amir Khan Muttaqi
 3. U.S. Special Representative for Afghanistan
 4. Tom West
 5. Treasury Department



با چالش در سطح کشور مواجه باشد. همچنین، بعید است که طالبان، پیوند تاریخی با القاعده را گسسته یا سبک حکومت داری خود را اصلاح کنند. فشارهای ایالات متحده برای ایجاد تغییر در رفتار طالبان، بسیار محدود است؛ اما جلوگیری از یک فاجعه بشری گسترده‌تر، مستلزم گفتگو با طالبان درباره کمک و مسائل اقتصادی و همچنین، پذیرش از این مسئله است که بخشی از کمک‌ها، قطعاً به دست طالبان خواهد افتاد.

به طور خلاصه، حمله به الظواهری، نشان دهنده نیاز برای هوشیاری بیشتر آمریکا نسبت به تهدید تروریستی نشئت گرفته از خاک افغانستان

است که استدلال آمریکا برای به رسمیت نشناختن طالبان یا عدم لغو تحریم‌ها را تقویت می‌کند. البته نسبت به سایر منافع ایالات متحده در این کشور، این مسئله، تغییر چندانی صورت نمی‌دهد. راهبرد آمریکا در قبال افغانستان، نیازمند توسعه سرمایه‌گذاری‌ها در جمع‌آوری اطلاعات درباره تهدید تروریستی است؛ سیاست‌گذاران باید همکاری نزدیک‌تری با کشورهای منطقه برای مقابله با این تهدید داشته باشند. هم‌زمان، دولت آمریکا، باید به فراهم ساختن کمک‌های بشردوستانه و تأمین نیازهای اولیه ادامه دهد و تلاش کند تا مکانیزمی را با مشورت طالبان برای استفاده از ۳٫۵

میلیارد دلار دارایی بانک مرکزی افغانستان تعبیه کند تا اقتصاد کلان کشور، مدیریت شود و ثبات به اقتصاد بازگردد. مقامات آمریکا باید در همکاری با متحدان، حقوق بشر، به ویژه حقوق مربوط به زنان، دختران و اقلیت‌ها را در اولویت قرار دهند. در نهایت، حفظ اجماع بین‌المللی در عدم به رسمیت شناختن طالبان و تحریم افراد وابسته به آن، برای به حداکثر رساندن فشار از سوی جامعه بین‌المللی و آمریکا، مهم خواهد بود.

مترجم: هادی قربانیار